

روستایان و مشارکت سیاسی در ایران
مطالعه موردی: روستاهای حومه شهرستان بوشهر
(چاه کوتاه، آبطویل، تل اشکی)

دکتر منصور وثوقی *

عبدالرسول هاشمی **

تاریخ دریافت: ۸۳/۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۸۳/۱۲/۴

چکیده:

مشارکت سیاسی یکی از معیارهای توسعه سیاسی به طور خاص و توسعه به طور کلی است و پرداختن به آن می تواند روشنگر یکی از ابعاد مهم توسعه باشد. هدف از این تحقیق

* استاد دانشگاه تهران.

Email: ahashemi-2005@yahoo.com

** کارشناس ارشد توسعه اجتماعی دانشگاه تهران

بررسی و شناخت عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت سیاسی روستاییان است تا از این طریق برخی از نظریاتی را که تحت عنوان نوسازی مطرح شده است، بتوان در جامعه مورد مطالعه آزمون نمود. برخی از این عوامل که در نظریات دانیل لرنر، اینکلس و اسمیت، رابرت دال، لیپست و هانتینگتن به عنوان عوامل نوسازی‌کننده جامعه و رواج دهنده اشکال جدید رفتارهای اجتماعی بیان شده‌اند عبارتند از: وضعیت اقتصادی، شغل، تحصیلات، ارتباط با شهر، استفاده از وسایل ارتباط جمعی. علاوه بر این برخی عوامل روان‌شناختی مانند احساس بی‌قدرتی و اعتماد به دولت نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

فرضیه اصلی تحقیق این است که با بهبود شاخص‌های اجتماعی، مشارکت سیاسی افزایش یافته است. این فرضیه در دو بعد مشارکت سیاسی رسمی و غیررسمی مورد بررسی و سنجش قرار گرفت. روش تحقیق مورد استفاده روش پیمایشی بوده که با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام شد.

جامعه مورد مطالعه سرپرستان خانوارهای روستایی دهستان حومه شهرستان بوشهر بود. با استفاده از نمونه‌گیری چندمرحله‌ای سه روستای چاه کوتاه، آب طویل و تل‌اشکی که معرف سه سطح توسعه‌یافتگی بالا، متوسط و پایین بودند به طور تصادفی انتخاب شده و از میان این روستاها نسبت به تعیین حجم نمونه مجموعاً به تعداد ۲۵۰ مورد و توزیع آن‌ها با توجه به میزان جمعیت هر روستا اقدام شد.

نتایج تحقیق حاکی است که بین دو نوع مشارکت سیاسی رسمی و غیررسمی در خصوص متغیرهای مورد مطالعه تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. به این صورت که مشارکت سیاسی غیررسمی همراه با افزایش سطح تحصیلات، ارتباط با شهر و استفاده از رسانه‌های گروهی افزایش یافته است اما مشارکت سیاسی رسمی تنها در سطح متوسط ارتباط با شهر و تحصیلات ابتدایی بیشتر شده است و پس از آن رو به کاهش داشته است. از طرف دیگر مشارکت رسمی همبستگی بسیاری با اعتماد به دولت داشته و هر چه اعتماد به دولت بیشتر

بوده، مشارکت سیاسی رسمی بیش‌تر شده است. در حالی که رابطه معنی‌داری بین این عامل و مشارکت سیاسی غیررسمی به دست نیامد. این موضوع نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی غیررسمی بیش از جنبه رسمی مشارکت مرتبط با شاخص‌های توسعه و تأیید‌کننده نظریات نوسازی است. در صورتی که ساختار سیاسی و عوامل محیطی در مشارکت سیاسی رسمی نقش زیادی دارند.

واژه‌های کلیدی: روستاییان، مشارکت سیاسی، توسعه اجتماعی نوسازی، بی‌قدرتی،

اعتماد به دولت

بیان موضوع

مشارکت سیاسی یکی از مباحث مهم در جامعه‌شناسی سیاسی است و از طرفی یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی در کشورها به شمار می‌رود. توسعه سیاسی خود یکی از ابعاد توسعه همه‌جانبه است. از این رو پرداختن به مقوله مشارکت سیاسی می‌تواند روشنگر یکی از ابعاد توسعه‌یافتگی باشد. موضوع مشارکت به عنوان یکی از رهیافت‌های نوین در مباحث توسعه مطرح است و صاحب‌نظران مباحث توسعه پس از تجربه چندین دهه برنامه‌های توسعه به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از مؤثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و بادوام همانا جلب مشارکت مردم در فرایند توسعه از اجرا تا تصمیم‌گیری است و این راه، با صرفه‌ترین و پایدارترین روش است.

از نظر تاریخی در ایران صرف نظر از بعد سیاسی، مشارکت در امور مختلف در شهرها و روستاها کم و بیش وجود داشته است. برای مثال در جوامع روستایی از رسم بیل‌زنی دسته جمعی و کمک در درو کردن گندم، تأمین امنیت محصول، سنت چرخ‌ریسان، بنه و مراسم مذهبی می‌توان نام برد. از نظر سیاسی و اداری در دوران باستان پس از حمله اسکندر، بخشی از آداب و رسوم یونانیان از جمله تشکیل مجلس نمایندگان وارد زندگی ایرانیان شد. در دوران

جدید، نخستین الگوی مشارکت که با الهام از تحولات کشورهای اروپایی مانند فرانسه در ایران پیاده شد تأسیس مجلس شورای ملی بود. در دوران معاصر، انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و برگزاری انتخابات از جمله انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد سال ۶۷ از جمله برهه‌هایی بوده‌اند که مشارکت در امور سیاسی در آن‌ها به حداکثر رسیده است.

در تبیین موضوع باید گفت که جامعه ایران به خصوص در صد سال اخیر دچار تحولات اساسی شده است که به تعبیری ناشی از قدم نهادن به مرحله مدرنیسم است. همزمان با درگیر شدن هر چه بیشتر جامعه با پی‌آمدهای مدرنیسم. برخی مفاهیم و دست‌آوردهای آن مانند انتخابات آزاد، قانون اساسی و حکومت قانون نیز وارد عرصه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی ایرانیان شده است. این ارزش‌ها در تقابل جدی با ارزش‌های پدسالارانه و اقتدارگرایانه ای قرار گرفته است که ناشی از سنت دیرینه حکومت‌های مطلقه از نوع استبداد شرقی است. لذا بحث مشارکت سیاسی یکی از مباحث مهم در جامعه ایران است.

موضوع مورد مطالعه در این مقوله بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی روستاییان است. به طور مختصر منظور از عوامل اجتماعی، عواملی است که در ساخت جامعه روستایی از قدیم وجود داشته و برخی نیز همراه با ورود عناصر نوسازی تحول پیدا کرده است. این عوامل عبارتند از: سن، وضعیت اقتصادی، تحصیلات، شغل، ارتباط با شهر و برخورداری از وسایل ارتباط جمعی، نوع روستا. برخی عوامل نیز جنبه روان‌شناختی - اجتماعی دارند. در این مطالعه اعتماد به دولت و احساس بی‌قدرتی مورد بررسی قرار گرفته و ارتباط آن‌ها با موضوع مشارکت سیاسی سنجیده شده است.

در چند دهه اخیر موضوع مشارکت سیاسی در روستاها به دلیل پدید آمدن گروه‌های جدید روستایی که دارای تحصیلات بالاتر و برخوردار از وسایل ارتباط جمعی و امکانات اقتصادی بیش‌تری هستند ابعاد تازه‌تری پیدا کرده است. از این رو برخی از سؤالاتی که پاسخگویی به

آن‌ها ضرورت انجام تحقیق را ایجاب می‌کند عبارتند از:

عوامل اجتماعی مؤثر در فرآیند مشارکت سیاسی کدامند و در این میان عوامل اجتماعی متأثر از نوسازی از قبیل تحصیلات، ارتباط با شهر و رسانه‌های گروهی در جلب مشارکت سیاسی روستاییان چه نقشی دارند؟

- عوامل روان‌شناختی - اجتماعی مانند اعتماد به دولت و احساس بی‌قدرتی در مشارکت سیاسی روستاییان تا چه حد نقش دارند و آیا می‌توان در تبیین مشارکت به عنوان متغییر واسطه از آن‌ها سود جست مؤثر است؟

- آیا بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاییان منجر به افزایش مشارکت سیاسی آنان شده است؟

- چه تغییراتی در سطوح و انواع مشارکت سیاسی در اثر فرآیندهای نوسازی ایجاد شده است؟

- چه گروه‌هایی از روستاییان دارای بیش‌ترین میزان مشارکت سیاسی بوده‌اند و چه گروه‌هایی مشارکت کم‌تری داشته‌اند؟

مشارکت سیاسی روستاییان

تصور اولیه ممکن است این باشد که مشارکت سیاسی مرتبط با شهر و شهرنشینی است و روستاییان کم‌تر دارای این نوع از مشارکت‌اند. این تصور با پشتیبانی نظری بسیاری از مطالعات که تحت عنوان نوسازی سیاسی انجام گرفته است تقویت و تأیید می‌شود. براساس این نظریات، جوامع بر پایه دو قطب سنتی و مدرن مشخص می‌شوند و هر چه به قطب مدرن نزدیک‌تر شوند اشکال جدید زندگی اجتماعی و از جمله مشارکت سیاسی و اجتماعی گسترش می‌یابد بنابراین شهرنشینی، صنعتی شدن و گسترش رسانه‌های گروهی و افزایش تحصیلات و رفاه اقتصادی منجر به افزایش سطح مشارکت می‌شود و ساکنان مناطق شهری به دلیل

برخورداری بیش‌تر از جلوه‌های مدرن زندگی، مشارکت بیش‌تری در حیات سیاسی و اجتماعی خود دارند مطالعات دانیل لرنر (D. Lerner) (ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۰۸)، لیپست (Lipset) و اینکلس و اسمیت (Inkeles & Smith) (سو، ۱۳۷۸: ۵۷) مؤید این مطلب هستند. پالمر، اشترن و گایل (Palmer, Stern, Gaile) در کتاب خود با عنوان نگرش جدید به علم سیاست نتیجه می‌گیرند که «جوامع بدوی و روستایی هر دو اساساً بر مبنای خطوط خویشاوندی سازمان می‌یابد و فاقد هر گونه وفاداری به ساخت‌های غیر خویشاوندی نظیر کشور هستند و به جای وابستگی به خلاقیت و نوآوری و آمادگی برای قبول شیوه‌های نوین، به سنت‌های گذشته به عنوان راه حل مشکلات خود می‌نگرند» (پالمر، ۱۳۷۱: ۸۸).

این تصورات و نظریات درباره ارتباط میان ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و میزان مشارکت باید با دقت مورد ارزیابی قرار گیرد زیرا شواهد فراوانی از نقش گسترده روستاییان در زندگی اجتماعی و سیاسی موجود است. از نظر تاریخی می‌توان گفت که دهقانان خود یکی از نیروهای عمده ضد فیودالی در انقلاب فرانسه بودند و در فروپاشی نظام فیودالی نقش مؤثری ایفا کردند. جنگها و شورش‌های دهقانی حرکت‌هایی بر ضد نظام اربابی بودند که در فاصله قرون وسطی و قرون جدید رخ دادند از مهم‌ترین جنگهای دهقانی باید از شورش فلاندر در ۱۳۲۱، فرانسه در ۱۳۵۶، انگلستان در ۱۳۸۱، سوییس در ۱۵-۱۵۱۳، آلمان در ۲۵-۱۵۲۴ و روسیه در اوایل سده هفدهم نام برد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۰۸).

نقش دهقانان در جنبش‌های فاشیستی و ضد مدرنیستی قرن بیستم نیز چشمگیر بوده است در کشورهایی چون آلمان، اسپانیا، پرتغال و ژاپن که به واسطه عدم وقوع انقلاب‌های ضد فیودالی شاهد تداوم طبقات دهقان و زمین‌دار بودند حمایت طبقات دهقانی از جنبش و حکومت‌های فاشیستی در دوره‌های بحران نوسازی و پیدایش گرایشهای رادیکال راست‌گرا پدیده‌ای عمومی بوده است. نقش روستاییان در جنبش‌های انقلابی در طی قرن بیستم در کشورهای مانند روسیه، چین، مکزیک، ویتنام، الجزایر و کوبا نیز گسترده بود. به طور کلی

مقابله با گسترش روابط سرمایه‌داری و اقتصاد کالایی و تجاری شدن کشاورزی و کوشش برای حفظ شیوه‌های زندگی سنتی، دهقانان را در طی این قرن در بسیاری از کشورها از نظر سیاسی فعال ساخت و به وقوع شورشهای دهقانی انجامید. به طور کلی نقش دهقانان در زندگی سیاسی در قالب جنبش‌های دهقانی بیش‌تر در دوره‌های انقلاب و تحول اجتماعی و پیدایش جنبش‌های توده‌ای محسوس بوده است تا در دوره‌های ثبات سیاسی (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۰۶). همچنین پشتیبانی دهقانان از انقلاب ملی در ویتنام و خشونت‌های دهقانی در نقاط دیگر که در حکم یک موضوع مهم در اواخر دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رخ داد باعث شگفتی و رد نظریات کسانی شد که هنوز تصویر دهقانان بی‌اعتنا از لحاظ سیاسی را در ذهن داشتند. با این حال در بسیاری از کشورها لبه‌گسترده سیاست‌های دولت متوجه بهره‌گیری از روستاها برای حمایت از اهداف سیاسی و اقتصادی بوده است در مقابل واکنش دهقانان بسیار پراکنده و متفاوت است برای مثال اغلب عکس‌العمل آن‌ها به صورت صرفاً مذاکره یا مانورهای محدود محلی و یا طفره رفتن از این سیاست‌ها بوده است. در برخی کشورها مثل هند و ژاپن دهقانان متوسط یا کشتکاران به طور کلی حالت حامی حکومت را داشتند و در موارد دیگر اکثریت جمعیت روستایی بی‌اعتنا بوده‌اند (واینر - هاتینگتن، ۱۳۷۹: ۱۵۷).

مایکل راش نیز ارتباط میان ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و مشارکت را مورد بررسی دقیق‌تری قرار می‌دهد بر اساس این مطالعات، ساکنان روستایی ژاپن مشارکت بیش‌تری نسبت به ساکنان شهری دارند همچنین در بسیاری از کشورهای جهان سوم افرادی که در روستاها زندگی می‌کنند احساس هویت بسیار نیرومندتری دارند تا کسانی که در نواحی شهری رو به گسترش به سر می‌برند. (راش، ۱۳۸۱: ۱۳۲)

به نظر بشیریه در تاریخ معاصر ایران دهقانان نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات سیاسی نداشتند و بیش‌تر از سوی گروه‌ها و نیروهای سیاسی گوناگون بسیج شده‌اند. از آغاز انقلاب مشروطه اوضاع دهقانان یا مسأله ارضی و دهقانی توجه گروه‌های مختلف را به خود جلب

کرد. در واقع گروه‌های دیگر از منافع دهقانان حمایت می‌کردند. در دوران مشروطه جنبش دهقانی مهمی رخ نداد و الغای نظام تیولداری پس از انقلاب اکثریت دهقانان را به صورت مزارعه کار درآورد. شورش‌های جسته و گریخته دهقانی در سالهای انقلاب مشروطه به چشم می‌خورد از جمله در سال ۱۲۸۷ در منطقه رشت و شورشهای مشابهی در قوچان، آذربایجان، اصفهان، بم و جیرفت به وقوع پیوست. جنبش جنگل نیز از یک دیدگاه شورش دهقانی بود. همچنین بعد از شهریور ۱۳۲۰ مسئله ارضی - دهقانی دوباره توجه احزاب و سیاستمداران را به خود جلب نمود و نیروهای دهقانی در حکومت‌های خود مختاری که بعد از جنگ دوم در سال‌های ۲۵-۱۳۲۴ در آذربایجان و کردستان تشکیل شد نقش داشتند. در تحولات انقلاب سال ۱۳۵۷ نخست در چند مورد محدود حمایت برخی از اقشار روستایی از رژیم شاه ظاهر شد لیکن با گسترش جنبش انقلابی به زودی از میان رفت. (بشیری، ۱۳۸۰: ۲۱۸)

در یک جمع‌بندی می‌توان نتیجه گرفت که دو عامل در زمینه مشارکت سیاسی روستاییان تأثیر به‌سزایی داشته است: ۱- میزان توسعه یافتگی جامعه روستایی و بسط جامعه مدنی در سراسر جامعه ۲- تسلط و اقتدار دولت مرکزی. مشارکت سیاسی روستاییان در شکل خشونت‌آمیز و انقلابی در شرایطی روی داده است که از طرفی جامعه مدنی بسط و توسعه نیافته و کشور در حالت عقب ماندگی است و از طرف دیگر حکومت مرکزی نیز فاقد ابزار، نیروها و سازماندهی لازم برای گسترش اقتدار خود در تمامی مناطق است. در چنین حالتی و بخصوص در شرایطی که جامعه در حال تحول و گذرا است و قوع شورشها و انقلابات بسیار محتمل است.

مشارکت سیاسی روستاییان در شکل مسالمت‌آمیز و در چارچوب قوانین و مقررات در جامعه مدنی در صورتی گسترش می‌یابد که جامعه به سطح قابل قبولی از توسعه یافتگی رسیده باشد و وجود نهادهای مدنی و سازمانهای محلی قدرتمند در روستاها کانالهای لازم را برای سازماندهی و هدایت مشارکت سیاسی مؤثر روستاییان فراهم نماید... در این شرایط

ساکنان مناطق روستایی بهتر می‌توانند با کمک این نهادها منافع خود را در جریان انتخابات و فعالیت‌های سیاسی تأمین کنند.

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای نظریات صاحب‌نظران مکتب نوسازی تدوین شده است. اساس این نظریات بر تفکیک و تمایز دو نوع جامعه سنتی و مدرن قرار دارد. جامعه مدرن دارای ویژگی‌هایی از قبیل داشتن یک اقتصاد پیشرفته، انواع تکنولوژی‌های جدید، سازمان‌های اجتماعی تمایز یافته، ثبات و توسعه سیاسی، بالا بودن سطح تحصیلات، بهداشت و درمان و به طور خلاصه همه آن چیزهایی که خوب تلقی می‌شوند تعریف می‌گردد. بر مبنای این ویژگی‌های عینی و بیرونی، رفتار اجتماعی و طرز تفکر افراد نیز متناسب با آن شکل گرفته است. از جمله این ویژگی‌های رفتاری، مشارکت گسترده مردم در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. در مقابل جامعه سنتی قرار می‌گیرد که هنوز به سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نرسیده است و ویژگی‌های اقتصادی افراد نیز مستلزم مشارکت گسترده در امور اجتماعی و سیاسی نیست. تحقیقات متعدد انجام گرفته در قالب این مکتب‌گویای این مطلبند که حرکت جامعه به سمت توسعه همه جانبه بوده و بدنبال پدید آمدن گروه‌های اجتماعی و اقتصادی نوین، اشکال جدید زندگی اجتماعی از جمله مشارکت سیاسی نیز ایجاد می‌شود. بنابراین گروه‌هایی از جامعه که بیش‌تر برخوردار از مواهب توسعه از جمله رفاه اقتصادی، تعلیم و تربیت، دسترسی به رسانه‌های گروهی، شهرنشینی و... هستند زمینه‌های مساعدتری برای مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی دارند.

در این تحقیق، در چارچوب مکتب نوسازی وجوه مشترک نظریات دانیل لرنر، اینکلس و اسمیت، لیپست، رابرت دال و هانتینگتن مورد استفاده قرار گرفته است.

لرنر (Lerner) مطالعه خود را در شش کشور خاورمیانه (ترکیه، لبنان، ایران، اردن، مصر و

سوریه متمرکز ساخته که حاصل آن کتابی است با نام «گذر از جامعه سنتی، نوسازی در خاورمیانه» وی با رویکرد جامعه شناختی - روان شناختی به مطالعه پرداخته است. اندیشه لرنر در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی است به این معنی که با بسط و نشر عناصر فرهنگی جوامع مدرن در کشورهای جهان سوم آمادگی روانی و اجتماعی برای پذیرش عناصر فرهنگی جدید و ایفای نقش مؤثر در این رابطه فراهم می شود. به نظر لرنر مهم ترین عناصر و متغیرهای نوسازی کننده عبارتند از: رسانه های گروهی، تعلیم و تربیت و شهر نشینی. نفوذ و گسترش این عناصر به درون جامعه سنتی دگرگونی در نگرش ها و باورهای مردم را در پی دارد. یکی از شاخص های این نگرش های جدید وجود همدلی و بروز شخصیت انتقالی در افراد است. به این معنی که شخص این توانایی را در خود می بیند که خود را به جای دیگری بگذارد و به کنش مثبت و سازنده با دیگران بپردازد. بر همین قیاس مشارکت افراد در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی نیز یکی از ابعاد توسعه اجتماعی و روانی به شمار می رود (ازکیا، ۱۳۸۰: ۱۰۸).

اینکلس و اسمیت (Inkeles & Smith) نیز به ابعاد روانی و اجتماعی نوسازی می پردازند و انسان نوین را فراهم کننده توسعه اقتصادی و سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانسته و دارای دو جنبه داخلی و خارجی که یکی به محیط وی مربوط میشود و دیگری به وجه نظرها، ارزش ها و احساسات او. آن ها به بیان شاخص های متعدد تجدد در انسان نوین از جمله تمایل به برنامه ریزی و مشارکت در امور روی می آورند و عواملی مانند آموزش و پرورش، محیط شهری، وسایل ارتباط جمعی، دولت ملی و احزاب سیاسی و فعالیت در مشاغل جدید را در بروز آن ها مؤثر می دانند. اینکلس و اسمیت از میان این عوامل تأکید بیش تری بر نوع شغل و کار در کارخانه دارند (همان: ۱۰۹).

لیپست (Lipset) با بیان ارتباط بین توسعه اقتصادی و دموکراسی معتقد است میزان رفاه و توسعه اقتصادی کشورها را می توان به صورت عامل مهمی برای توسعه یافتگی سیاسی و دموکراسی در نظر گرفت. به نظر او همه شاخص های توسعه اقتصادی مانند ثروت، صنعتی

شدن و شهرنشینی و تحصیلات چنان با هم مرتبطند که تشکیل یک عامل واحد می‌دهند و این عامل درجه همبستگی بالایی با دموکراسی دارد (سو، ۱۳۷۸: ۶۶).

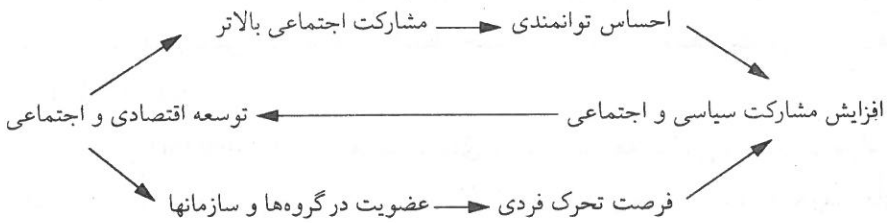
این بخش از مطالعات لیپست در سطح کلان و در سطح کشورها مطرح است. بخش دیگری از تحقیقات لیپست در کتاب او با عنوان *انسان سیاسی* آمده است. وی با استفاده از یافته‌های آماری در خصوص ویژگیهای اجتماعی رأی دهندگان و مشارکت کنندگان در فعالیتهای سیاسی و طبقه‌بندی آنها به دو گروه (مشارکت بالا و پایین) به تدوین قواعد عام در زمینه علل شرکت در انتخابات می‌پردازد. عوامل اجتماعی مورد بررسی لیپست عبارتند از درآمد، تعلیم و تربیت، نژاد، جنس، اقامت، شرایط اجتماعی، تأهل، عضویت در سازمان‌ها (Lipset, 1964: 184).

هانتینگتن (Huntington) مطالعات متعددی در زمینه توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی انجام داده است. و به تاسی از لرنر نوسازی را فراگردی چند بعدی می‌داند که در همه زمینه‌های اندیشه و فعالیت جریان دارد. به نظر وی جنبه‌های اصلی نوسازی عبارتند از شهرنشینی، صنعتی شدن، دنیاگرایی، دموکراتیزه شدن، آموزش. و دسترسی به رسانه‌های ارتباط جمعی. وی بر نهادینگی و ثبات سیاسی همراه سطح قابل قبولی از مشارکت سیاسی به عنوان دو معیار توسعه سیاسی تأکید می‌کند. وی تحرک اجتماعی که بر اثر گسترش ارتباطات، تحصیلات و شهرنشینی و ارتقاء وضعیت اقتصادی به وجود می‌آید را عامل اصلی مشارکت سیاسی می‌داند که چنانچه با عدم نهادینگی سیاسی توأم نباشد بی‌ثبات کننده و موجب تباهی سیاسی است (هانتینگتن، ۱۳۷۰: ۸۵).

یکی از تأکیدی که در نظریه هانتینگتن مطرح می‌شود اهمیت فرهنگ به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده توسعه سیاسی و ایجاد دموکراسی است. عامل فرهنگ در مکتب نوسازی جدید به طور گسترده‌تری مورد بررسی قرار گرفته است (سو، ۱۳۷۸: ۱۰۴).

هانتینگتن و نلسون در کتابی با عنوان *مشارکت سیاسی در کشورهای در حال توسعه* یک

انتخاب مشکل معتقدند که توسعه اقتصادی و اجتماعی به دو صورت بر مشارکت مردم تأثیر می‌گذارد: الف) از طریق تحرک اجتماعی به این صورت که منجر به کسب منزلت اجتماعی بالاتر برای فرد می‌گردد در نتیجه توانمندی و قدرت تأثیرگذاری او افزایش می‌یابد برای مثال افزایش میزان سواد. ب) از طریق ایجاد سازمانها و گروه‌های اجتماعی نسبتاً مستقل به گونه‌ای که فرد با عضویت در آنها امکان و موقعیت مناسب‌تری برای مشارکت پیدا می‌کند (خاکساری، ۱۳۸۰: ۴۷).



رابرت دال (R. Dahl) حتی قبل از لیپست مباحث خود را دربارهٔ دموکراسی آغاز کرده بود. به عقیده او دموکراسی تنها در قالب پلی‌آرشی امکان تحقق دارد و به همان میزان که جوامع پیشرفت می‌کنند متکثرتر می‌شوند و گروه‌های متنوع‌تری پدید می‌آید و زمینه رقابت گسترده‌تر و ایجاد دموکراسی فراهم می‌شود (بدیع، ۱۳۷۶: ۲۵). علاوه بر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، برابری در بهره‌مندی از مواهب طبیعی و اقتصادی نیز لازمه تحقق پلی‌آرشی است و از آنجا که جوامع کشاورزی غالباً مستعد نابرابری‌های تمرکز یابنده هستند، امکان تحقق پلی‌آرشی در آنها کم‌تر است (دال، ۱۳۶۴: ۱۱۵).

مدل نظری تحقیق

مدل نظری این تحقیق تلفیقی از آرا و نظریاتی است که در بخش چارچوب نظری مطرح

شد. در مورد نظریه‌هایی که تحت عنوان مکتب‌نوسازی آمده است. متغیرهایی که معمولاً در غالب این مباحث به عنوان عوامل نوسازی جامعه سنتی مطرح شده‌اند در تحقیق حاضر به عنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی مورد بررسی واقع شده است. این عوامل عبارتند از: وضعیت اقتصادی، شغل، تحصیلات، ارتباط با شهر، استفاده از رسانه‌های گروهی، نوع روستا.

از طرف دیگر دو متغیر احساس بی‌قدرتی و اعتماد به دولت به عنوان متغیرهای واسطه در مدل نظری تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بر این اساس انتظار می‌رفت که گروه‌هایی از روستاییان که بیش‌تر از مواهب توسعه و نوسازی بهره‌مندند. احساس بی‌قدرتی کم‌تر و اعتماد بیش‌تری به دولت برای شرکت در امور سیاسی و اجتماعی پیدا کنند. احساس بی‌قدرتی و اعتماد می‌تواند توجیه‌کننده نقش گسترده‌تر گروه‌های جدید روستاییان در حیات سیاسی و اجتماعی باشد. به عبارت دیگر جریان توسعه و نوسازی در روستاها سبب می‌شود که احساس توانمندی و اعتماد به دولت در میان روستاییان تقویت شود و از این طریق زمینه روانی برای مشارکت سیاسی بیش‌تر فراهم شود.

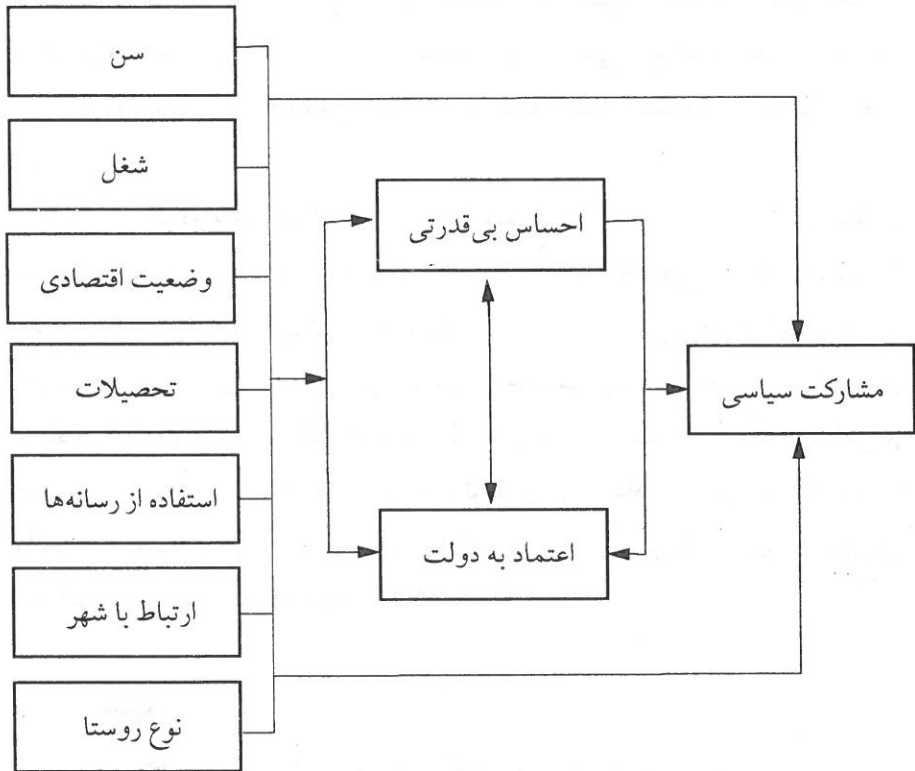
اهداف تحقیق

براساس آنچه در مبانی و چارچوب نظری گفته شد اهداف تحقیق عبارتند از:

۱- بررسی رابطه برخی عوامل اجتماعی مطرح در نظریات نوسازی مانند وضعیت اقتصادی، نوع شغل، تحصیلات و سواد، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، رابطه با شهر و شهرنشینی با میزان و نوع مشارکت سیاسی.

۲- بررسی رابطه برخی عوامل روان‌شناختی با میزان و نوع مشارکت سیاسی. این عوامل عبارتند از: احساس بی‌قدرتی و اعتماد به دولت.

مدل نظری تحقیق



فرضیات تحقیق

فرضیات تحقیق بر اساس چارچوب نظری و اهداف عبارتند از:

۱- به نظر می‌رسد بین میزان سن افراد و میزان مشارکت سیاسی ارتباط وجود دارد به این صورت که با افزایش سن بر میزان مشارکت سیاسی افزوده می‌شود. (با استفاده از تحقیقات

لیپست)

۲- به نظر می‌رسد بین نوع شغل و میزان مشارکت سیاسی روستاییان رابطه وجود دارد به این نحو که مشاغل جدید در بخشهای صنعتی و شهری با مشارکت بیش‌تری نسبت به مشاغل سنتی کشاورزی همرا است (با استفاده از نظریات لرنر، اینکلس و اسمیت، لیپست)

۳- به نظر می‌رسد بین وضعیت اقتصادی و میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد به این صورت که با ارتقاء موقعیت اقتصادی میزان مشارکت سیاسی روستاییان بیش‌تر می‌شود (با استفاده از نظریات لیپست)

۴- به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات سوادآموزی با میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد به این صورت که با افزایش میزان تحصیلات مشارکت سیاسی افراد بیش‌تر می‌شود (با استفاده از نظریات لرنر، اینکلس، لیپست)

۵- به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از رسانه‌های گروهی (مانند رادیو، تلویزیون مجله و روزنامه) با مشارکت سیاسی روستاییان رابطه وجود دارد. به این نحو که با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های گروهی میزان مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد (با استفاده از تحقیقات لرنر، لیپست، هانتیگتن)

۶- به نظر می‌رسد بین میزان ارتباط با شهر و شهرنشینی و میزان مشارکت سیاسی ارتباط وجود دارد و با افزایش ارتباط با شهر میزان مشارکت سیاسی بیش‌تر می‌شود (با استفاده از نظریات لرنر، اینکلس، اسمیت، هانتیگتن)

۷- به نظر می‌رسد بین نوع روستاها از نظر میزان توسعه یافتگی با میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد به این صورت که ساکنان روستاهای توسعه یافته‌تر، از مشارکت سیاسی بیش‌تری بهره‌مندند تا روستاهای کم‌تر توسعه یافته. (با استفاده از نظریات مطرح در مکتب نوسازی)

۸- به نظر می‌رسد بین میزان احساس بی‌قدرتی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. به

این صورت که هرچه احساس بی‌قدرتی بیش‌تر باشد مشارکت سیاسی کم‌تر است (با استفاده از مطالعات سیمن، لوین و اولسن)

۹- به نظر می‌رسد که بین میزان اعتماد به دولت با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد به این صورت که با افزایش اعتماد به دولت مشارکت سیاسی روستاییان افزایش می‌یابد. (با استفاده از نظریات الموند و وربا، کلمن و پاتنام).

شایان ذکر است هر یک از فرضیات فوق نسبت به دو بعد مشارکت سیاسی که عبارتند از مشارکت سیاسی رسمی و غیر رسمی سنجیده شد.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این بررسی روش پیمایشی است. روش پیمایشی از روش‌های تحقیق کمی در علوم اجتماعی به شمار می‌رود و در مقابل روش‌های کیفی قرار می‌گیرد. در روش تحقیق پیمایشی میزان تعمیم‌پذیری نتایج تحقیق، کنترل محقق روی رویدادهای اجتماعی و نقش پژوهشگر در گردآوری اطلاعات بیش از روش‌های کیفی است. روش و تکنیک مورد استفاده برای گردآوری تهیه پرسشنامه بوده که پس از تدوین بر اساس متغیرهای مورد نظر نسبت به توزیع آن‌ها در جامعه آماری اقدام شد. علاوه بر این از آنجا که برخی از افراد جامعه مورد مطالعه کسانی تشکیل می‌دادند که سواد خواندن و نوشتن نداشتند، تکمیل پرسشنامه در مورد آن‌ها با مصاحبه انجام گرفت و در موارد دیگر تکمیل پرسشنامه بر عهده خود افراد گذاشته شد. به منظور دقت در تکمیل آن‌ها توضیحات لازم ارایه گردید. علاوه بر این در هنگام جمع‌آوری پرسشنامه‌ها مجدداً کنترل لازم به عمل آمد.

جامعه آماری

جامعه آماری شامل کلیه سرپرستان خانوارهای روستایی است که در سه روستای چاه

کوتاه، آب‌طویل و تل اشکی سکونت دارند. این روستاها در دهستان حومه شهرستان بوشهر واقع شده‌اند و دارای قدمت زیاد بوده و اهالی آن‌ها در مبارزات ضد استعماری اوایل قرن بیستم در جنوب ایران نقش داشته‌اند. علت مطالعه این روستاها آشنایی نگارنده با آن‌ها بود. در انتخاب پاسخگویان از شیوه نمونه‌گیری چند مرحله‌ای استفاده شد. به این صورت که در ابتدا روستاهای دهستان حومه را بر اساس دو ملاک میزان جمعیت و دوری و نزدیکی به شهر به سه دسته تقسیم شدند. سپس از میان هر گروه، روستایی که معرف باشد به طور تصادفی انتخاب شد. پس از تعیین روستاها از میان مجموع سرپرستان خانوارهای روستایی ساکن در سه روستا با استفاده از فرمول کوکرال حجم نمونه تعیین گردید. حجم نمونه بدست آمده (۲۵۰ مورد) متناسب با جمعیت خانوارهای ساکن در هر روستا توزیع شد. در این میان روستای چاه‌کوتاه ۱۲۰ نمونه، روستای آب‌طویل ۸۳ نمونه و روستای تل اشکی ۴۷ نمونه را به خود اختصاص دادند. پس از تعیین حجم نمونه از هر روستا برای تعیین پاسخگویان از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد.

تعاریف نظری و عملیاتی

مشارکت سیاسی:

مایکل راش (M. Rush) در کتاب *جامعه و سیاست مشارکت سیاسی* را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام سیاسی رسمی می‌داند و بر این اساس سطوح مختلف مشارکت را ذکر می‌کند (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

لستر میل‌براث (Lester Milbrath) مشارکت سیاسی را مجموعه‌ای از فعالیت و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت و حمایت از نظام سیاسی می‌داند. در این تعریف حیطه عمل مردم در امر مشارکت سیاسی شامل اعمال فشار، رقابت و تأثیرگذاری از یک سو و حمایت و پشتیبانی از سوی دیگر است (چابکی، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

هانتینگتن (Huntington) از صاحب‌نظران معروف علم سیاست مشارکت سیاسی را به معنی فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری دولت می‌داند به نظر او اشکال مشارکت سیاسی عبارتند از: فعالیت در انتخابات، اعمال نفوذ، فعالیت سازمانی و عضویت در گروه‌ها و نفوذ احزاب، ایجاد رابطه فردی با مقامات قدرتمند، خشونت و استفاده از زور برای تعزیر گذاشتن بر تصمیمات دولت. (هانتینگتن، ۱۳۷۰: ۵۱).

تعریف دیگر از مایرون واینر (M. Weiner) است وی مشارکت سیاسی را عبارت از هر عمل داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع یا نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران و سیاستها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی می‌داند. (واینر و هانتینگتن، ۱۳۷۹: ۱۴۰).

برداشت واینر و هانتینگتن از مشارکت سیاسی دایره شمول آن را به هرگونه فعالیت قانونی و غیرقانونی، مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز در تمام سطوح اداره ملی و محلی یک جامعه تسری می‌دهد. در حالی که لستر میل براث اعتراضات را شکل الحاقی و غیرعادی مشارکت می‌داند و آن را از تعریف مشارکت سیاسی کنار می‌گذارد (چابکی، ۱۳۸۱: ۱۱۱). نکته‌ای دیگر که درباره مفهوم مشارکت سیاسی می‌توان گفت این است که مشارکت سیاسی بر اساس تعاریف ارایه شده معنایی عام‌تر از صرف مشارکت به معنای همکاری و عمل مشترک گروهی دارد و هرگونه فعالیت به منظور تأثیرگذاری بر نظام سیاسی و تعیین سیاست‌های عمومی را شامل می‌شود.

همچنین با توجه به تعاریف ذکر شده، مشارکت سیاسی انواع و سطوح مختلفی دارد و این امر تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، باورهای مذهبی و پیشینه تاریخی قرار می‌گیرد... مشارکت می‌تواند مسالمت آمیز یا غیرمسالمت آمیز، مستقیم یا غیرمستقیم، در سطح توده یا نخبگان، رسمی یا غیررسمی، خودجوش یا برانگیخته باشد.

تعریف مورد استفاده در تحقیق حاضر در چارچوب تعریف لستر میل براث قرار می‌گیرد.

بنابراین اشکال خشونت آمیز مشارکت خارج از دایره بحث است. همچنین به منظور افزایش دقت و صحت مطالعه و با توجه به شرایط جامعه ایران مشارکت در دو سطح رسمی و غیررسمی تقسیم شد.

۱) مشارکت سیاسی رسمی

هرگونه عمل داوطلبانه‌ای است که اعضای جامعه به منظور حمایت از نظام سیاسی و تأثیرگذاری بر آن در چارچوبهای مشخص و تعیین شده که به طور رسمی و برنامه‌ریزی شده توسط سازمانها و نهادهای رسمی کشور صورت می‌گیرد انجام می‌دهند. در این زمینه شرکت در انتخابات مختلف، تظاهرات و راهپیمایی‌ها را از موارد مشارکت سیاسی رسمی می‌توان نام برد. سنجش این نحوه مشارکت بوسیله شاخص‌های ذیل است که در قالب یک طیف به پاسخگو ارایه شده است:

جدول شماره ۱ - شاخص‌های مشارکت سیاسی رسمی و توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان

ردیف	سنجه‌ها	هیچ‌گاه		بعضی وقتها		اغلب باهمیشه		بدون پاسخ	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	شرکت در انتخابات ریاست جمهوری	۴۴	۱۷/۶	۱۰۶	۴۲/۴	۹۷	۳۸/۸	۳	۱/۲
۲	شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی	۴۵	۱۸	۹۴	۳۷/۶	۱۰۸	۴۳/۲	۳	۱/۲
۳	شرکت در انتخابات مجلس خبرگان رهبری	۳۹	۱۵/۶	۷۷	۳۰/۸	۱۳۲	۵۲/۸	۲	۰/۸
۴	شرکت در انتخابات شورای اسلامی روستا	۲۱	۸/۴	۴۸	۱۹/۲	۱۷۹	۷۱/۶	۲	۰/۸
۵	شرکت در راهپیمایی و تظاهرات	۵۶	۲۲/۴	۱۱۸	۴۷/۲	۷۳	۲۹/۲	۳	۱/۲

۲) مشارکت سیاسی غیر رسمی

هر گونه عمل داوطلبانه‌ای است که اعضای جامعه به منظور حمایت یا تأثیرگذاری بر نظام و جریان‌های سیاسی و در خارج از چارچوب‌های تعیین شده و رسمی توسط سازمانها و نهادهای رسمی کشور انجام می‌دهند. این نحوه مشارکت شامل هر گونه فعالیت سیاسی می‌شود که در کنش متقابل بین افراد و در رابطه آن‌ها با حکومت انجام می‌شود و ساخت و شکل از پیش تعیین شده و برنامه‌ریزی شده ندارد.

برای سنجش این بعد از مشارکت از سنجه‌های زیر استفاده شد:

جدول شماره ۲- شاخص‌های مشارکت سیاسی غیررسمی و توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان

ردیف	سنجه‌ها	هیچ‌گاه		بعضی وقتها		اغلب یا همیشه		بدون پاسخ	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	تشویق یا منع دیگران به شرکت در انتخابات و رأی دادن به فردی خاص	۱۳۶	۵۴/۴	۷۸	۳۱/۲	۳۱	۱۲/۴	۵	۲
۲	بحث سیاسی در دیدارهای فامیلی و در جمع دوستان	۱۶۹	۶۷/۶	۷۴	۲۹/۶	۳	۱/۲	۴	۱/۶
۳	جستجو و پیگیری اخبار سیاسی	۱۵۲	۶۰/۸	۶۶	۲۶/۴	۲۶	۱۰/۴	۶	۲/۴
۴	تلاش برای جمع‌آوری رأی به نفع یکی از کاندیداها	۱۶۷	۶۶/۸	۶۵	۳۶	۱۲	۴/۸	۶	۲/۴
۵	مراجعه به نمایندگان مجلس یا شورای روستا جهت طرح مسایل روستا	۱۴۴	۵۷/۶	۸۳	۳۳/۲	۱۹	۷/۶	۴	۱/۶

احساس بی‌قدرتی

مفهوم بی‌قدرتی به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده از خود بیگانگی در تحقیقات

سیمن، لوین، و دوایت دین مورد استفاده قرار گرفته است. این دسته از نظریات توانایی افراد در وارد شدن به سیاست را موضوع تحلیل خود قرار داده‌اند ریشه این نظریات نزد جامعه‌شناسان کلاسیک مانند مارکس می‌توان یافت.

از نظر لوین احساس بی‌قدرتی سیاسی اعتقاد فرد به این است که عمل او تأثیری بر تعیین سیر وقایع سیاسی ندارد. در این حالت فرد بر این باور رسیده است که جامعه به وسیله گروه کوچکی از افراد قدرتمند اداره می‌شود که صرف‌نظر از هر نوع فعالیت یا عمل او همچنان قدرت خود را حفظ می‌کند فرد در چنین حالتی کل فرایند سیاسی را توطیه‌ای مخفیانه که هدف آن بهره‌برداری از مردم و بازی کردن با آن‌ها است می‌داند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۸۹).

به نظر سیمن بی‌قدرتی نوعی بیگانگی است که در آن فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های اجتماعی که در آن‌ها کنش متقابل دارد نمی‌تواند تأثیر بگذارد و از قدرت کافی برای مهار پی‌آمد رویدادهای سیاسی و اقتصادی برخوردار نیستند.

برای سنجش میزان بی‌قدرتی سیاسی از گویه‌های زیر که به طریق طیف لیکرت تنظیم یافته استفاده می‌شود.

جدول شماره ۳- شاخص‌های احساس بی‌قدرتی سیاسی و توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان

ردیف	گویه‌ها	کاملاً موافقم		مخالفاً		بدون پاسخ
		کاملاً موافقم	موافقم با محدودی	مخالفاً	کاملاً مخالفم	
۱	با شرکت در انتخابات می‌توانیم در تعیین سرنوشت خود مؤثر واقع شویم.	۴۶	۷۳	۹۶	۲۴	۴
		۱۸/۴	۲۹/۲	۳۸/۴	۹/۶	۱/۶
۲	ما مردم روستا به کار سیاست وارد نیستیم و نمی‌توانیم در آن دخالت کنیم.	۱۵	۲۸	۱۰۹	۶۱	۴
		۶	۱۱/۲	۴۳/۶	۲۴/۴	۱۳/۲
۳	ما مردم دستانمان به جایی بند نیست و حرفمان به گوش مسئولان نمی‌رسد.	۲۳	۳۶	۹۸	۵۳	۶
		۹/۲	۱۴/۴	۳۹/۲	۲۱/۲	۱۳/۶

ردیف	گویه‌ها	کاملاً موافقم	کاملاً مخالفم	موافقم	مخالفم	کاملاً بدون پاسخ
۴	مردم عادی روستا هم می‌توانند بر تصمیمات دولت تأثیر بگذارند.	۱۸	۲۶	۱۰۷	۶۴	۳۱
		۷/۲	۱۰/۴	۴۲/۸	۲۵/۶	۱۲/۴
۵	اداره‌کشور دست گروهی صاحب قدرت و ثروت است و در این میان کار چندانی از ما ساخته نیست.	۲۴	۴۱	۱۱۴	۴۷	۱۸
		۹/۶	۱۶/۴	۴۵/۶	۱۸/۸	۷/۲
۶	در برخورد با تحولات کشور بیش از پیش احساس ناتوانی می‌کنیم.	۱۳	۳۸	۹۳	۵۶	۴۶
		۵/۲	۱۵/۲	۳۷/۲	۲۲/۴	۱۸/۴
۷	ما روستاییان نقش مهمی در اداره امور کشور بر عهده داریم.	۲۸	۶۹	۱۰۳	۳۳	۱۲
		۱۱/۲	۲۷/۶	۴۱/۲	۱۳/۳	۴/۸

اعتماد به دولت

اعتماد به دولت یکی از اشکال اعتماد اجتماعی است. به تعبیر کلمن اعتماد تسهیل کننده مبادلات در فضای اجتماعی است و هزینه مذاکرات و مبادلات اجتماعی را به حداقل می‌رساند و برای حل مسایل مربوط به نظم اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۹۷). اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارات و تعهدهای اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمانها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی شان دارند و قرین با روابط متقابل تعمیم یافته است (ازکیا، ۱۳۸۰: ص ۹).

اعتماد در مقوله‌های مختلف از جمله اعتماد افراد به یکدیگر، اعتماد افراد به دولت، اعتماد افراد به سازمانها واقع می‌شود. آنچه در مبحث حاضر به آن پرداخته می‌شود اعتماد به دولت است که بیش تر مرتبط با مشارکت سیاسی است. برای سنجش اعتماد به دولت از گویه‌های زیر استفاده شده است.

به نظر شما مسئولان دولتی تا چه حد دارای ویژگی‌ها و رفتارهای زیر هستند؟

جدول شماره ۴- شاخص‌های اعتماد به دولت و توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان

ردیف	گویه‌ها	هیچ وقت	کم	ناحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ
۱	به وعده‌هایشان عمل می‌کنند	۲۱	۴۲	۹۸	۶۴	۱۹	۶
		۸/۴	۱۶/۸	۳۹/۲	۲۵/۶	۷/۶	۲/۴
۲	به نظر مردم اهمیت می‌دهند	۱۶	۴۴	۹۲	۷۱	۲۳	۴
		۶/۴	۱۷/۶	۳۶/۸	۲۸/۴	۹/۳	۱/۶
۳	پارتی بازی می‌کنند	۲۸	۷۲	۱۰۲	۳۱	۱۳	۴
		۱۱/۲	۲۸/۸	۴۰/۸	۱۲/۴	۵/۲	۱/۶
۴	از موقعیت شغلی خود سوء استفاده می‌کنند	۲۲	۳۱	۱۱۴	۶۸	۱۱	۴
		۸/۸	۱۲/۴	۴۵/۶	۲۷/۲	۴/۴	۱/۶
۵	مطابق با قانون رفتار می‌کنند	۲۳	۳۶	۱۰۸	۵۹	۲۱	۳
		۹/۲	۱۴/۴	۴۳/۲	۲۳/۶	۸/۴	۱/۲
۶	به فکر خدمت به مردم‌اند	۱۴	۵۲	۹۹	۵۶	۲۴	۵
		۵/۶	۲۰/۸	۳۹/۶	۲۲/۴	۹/۶	۲
۷	از امکانات دولتی به نفع خود استفاده می‌کنند	۱۹	۴۵	۱۱۲	۵۳	۱۷	۴
		۷/۶	۱۸	۴۴/۸	۲۱/۲	۶/۸	۱/۶

نتایج تحقیق

پس از استخراج داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نتایج زیر به دست آمد.

۱- فرضیه مبتنی بر وجود رابطه بین سن و مشارکت سیاسی رسمی تأیید شد. به این صورت که با افزایش سن مشارکت سیاسی افزایش یافت. سطح معنی داری در آزمون کی دو ۰/۰۳۴ و در ضریب همبستگی کندال ۰/۱۷۴ است اما در مورد مشارکت سیاسی غیررسمی فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار نگرفت.

این نتیجه می‌تواند تأیید کننده نظریات و تحقیقاتی باشد که بین موقعیت اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه برقرار نموده‌اند از جمله نظریه لیپست. طبق این تحقیقات کسانی که دارای موقعیت اجتماعی برتری در جامعه هستند مشارکت سیاسی و اجتماعی بیش تری دارند.

در جامعه ایران و به خصوص جامعه روستایی که سنتها اهمیت بیش‌تری دارند سن یکی از موارد مشخص‌کننده موقعیت و پایگاه اجتماعی است. و از افراد مسن‌تر انتظار می‌رود که حضوری مؤثرتر در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی داشته باشند.

علاوه بر این به نظر می‌رسد ارزش‌ها و علایق سیاسی و ایدئولوژیکی نیز در ارتباط مشارکت سیاسی رسمی با متغیر سن بی‌تأثیر نباشد. به این صورت که گروه‌های سنی بالاتر به دلیل جامعه‌پذیری در محیطی سنتی‌تر و متفاوت با دوره‌های کنونی و در نتیجه برخورداری بیش‌تر از ارزش‌های سنتی نظام سیاسی از جمله دینداری، تعهد و تبعیت استقبال بیش‌تری از مشارکت در انتخابات و حضور در تجمعات رسمی (که به نوعی بیانگر مقبولیت نظام سیاسی می‌تواند باشد) دارند.

۲- رابطه وضعیت اقتصادی با هر دو بعد مشارکت سیاسی اثبات شد و در این میان بیش‌ترین میزان مشارکت سیاسی از آن وضعیت اقتصادی متوسط بود. در زمینه مشارکت سیاسی رسمی سطح معنی‌داری در آزمون کی دو ۰/۰۱۵ و در آزمون کندال ۰/۹۱۴ و در زمینه مشارکت سیاسی غیررسمی به ترتیب ۰/۰۴۴ و ۰/۲۰۰ بدست آمد. عدم تأیید آن در ضریب همبستگی کندال نشان دهنده این است که رابطه بین دو متغیر خطی و مستقیم نیست و با افزایش رفاه اقتصادی مشارکت سیاسی هم پیوسته افزایش نیافته است. با این وجود این نتایج نظریات مطرح در مکتب نوسازی مبنی بر تأثیر ارتقای وضعیت اقتصادی بر مشارکت سیاسی را تا حدودی مورد تأیید قرار می‌دهد. بر این اساس جریان نوسازی منجر به تقویت توانایی اقتصادی گروه‌های اجتماعی در جامعه شده و زمینه تحرک روانی و مشارکت هر چه بیش‌تر آن‌ها در امور سیاسی را فراهم می‌کند. و در این میان روستاییانی که دارای وضعیت اقتصادی متوسطی بودند نقش بیش‌تری داشتند.

شرکت بیش‌تر افراد با رتبه اقتصادی متوسط در فعالیت‌های سیاسی همچنین می‌تواند ناشی از حساسیت و اهمیت بیش‌تر مسایل سیاسی برای موقعیت اجتماعی و اقتصادی آن‌ها

نسبت به دیگر رتبه‌ها باشد و در حالی که صاحبان موقعیت اقتصادی بالا بهتر می‌توانند خود را از نوسانات سیاسی و تأثیر آن بر وضعیت خود برهانند و افراد رتبه‌های پایین اقتصادی نیز کم‌تر امیدى به تغییر اوضاع خود بر اثر رویدادهای سیاسی دارند کسانی که از موقعیت اقتصادی متوسط برخوردارند حساسیت بیش‌تری نسبت به تأثیر مسائل سیاسی بر زندگی خود دارند. زیرا تصمیمات سیاسی تأثیر بیش‌تری بر موقعیت آن‌ها دارد. بنابراین سخن لیپست که یکی از علل مشارکت بیش‌تر در امور سیاسی را ناشی از تصور تأثیرپذیری علایق و منافع گروه از سیاست‌های دولت می‌داند صحت پیدا می‌کند.

۳- فرضیه تحقیق در خصوص ارتباط سطح تحصیلات با مشارکت سیاسی رسمی در آزمون کی دو با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۷ تأیید شد. اما سطح معنی‌داری در ضریب همبستگی کندال رقم ۰/۰۸ است. لذا به موازات افزایش سطح تحصیلات مشارکت سیاسی رسمی افزایش نیافته است داده‌ها حاکی است که گروه‌های تحصیلی ابتدایی و کسانی که صرفاً دارای سواد خواندن و نوشتن بودند بیش‌ترین میزان مشارکت سیاسی رسمی داشتند. پس از آن‌ها به ترتیب گروه تحصیلی راهنمایی و گروه تحصیلی بی‌سواد و گروه تحصیلی متوسط به بالا قرار داشت. بنابراین گروه تحصیلی بالا کم‌ترین میزان مشارکت سیاسی رسمی داشتند.

در مورد مشارکت سیاسی غیر رسمی فرضیه تحقیق در هر دو آزمون کی دو با سطح معنی‌داری ۰/۰۰ و کندال با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۷ به اثبات رسید. و به موازات افزایش سطح تحصیلات مشارکت سیاسی غیررسمی افزایش نشان می‌دهد. در مجموع چارچوب نظری تحقیق تأیید شد. در توضیح تفاوت مشارکت سیاسی رسمی و غیررسمی در زمینه تحصیلات می‌توان گفت که گروه‌های تحصیلی بالاتر به دلیل برخورداری از اطلاعات بیش‌تر و اعتماد به نفس بالاتر قادرند مشارکت سیاسی متنوع‌تری را پی‌ریزی کنند. از این رو مشارکت سیاسی غیررسمی بیش‌تری دارند. در حالی که مشارکت رسمی که در قالب مشخصی است برای مشارکت گروه‌های تحصیلی پایین‌تر راحت‌تر بوده و مستلزم درگیری ذهنی کم‌تری است و

پس آن فرد ملزم به پیگیری نیست.

۴- نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش استفاده از رسانه‌ها مشارکت سیاسی غیررسمی افزایش می‌یابد. سطح معنی‌داری در کی‌دو و کندال $0/00$ و مقدار ضریب همبستگی کندال $0/284$ به دست آمد که نشان دهنده همبستگی مستقیم و مثبت بین دو متغیر است. اما در زمینه مشارکت سیاسی رسمی فرضیه تحقیق به اثبات نرسید. بنابراین نظریات مطرح در مکتب نوسازی از جمله نظریه لرنر تنها در خصوص مشارکت سیاسی غیر رسمی تأیید می‌شود. به نظر می‌رسد نوع مشارکت سیاسی غیررسمی که در برگیرنده شاخص‌هایی مانند جستجوی اخبار سیاسی، بحث و تبادل نظر است مستلزم بهره‌گیری بیش‌تر از رسانه‌های گروهی است.

۵- در زمینه رابطه دو متغیر ارتباط با شهر و مشارکت سیاسی رسمی فرضیه تحقیق در آزمون کی‌دو با سطح معنی‌داری $0/001$ تأیید شد اما در ضریب همبستگی کندال با سطح معنی‌داری $0/109$ به اثبات نرسید. که نشان می‌دهد رابطه بین دو متغیر خطی و مستقیم نیست. داده‌ها حاکی است که سطح متوسط ارتباط با شهر دارای بیش‌ترین میزان مشارکت سیاسی رسمی بوده و پس از آن به ترتیب سطوح بالا و پایین قرار داشت. اما در مورد مشارکت سیاسی غیررسمی سطح معنی‌داری در آزمون کی‌دو $0/007$ و در ضریب همبستگی کندال $0/00$ با مقدار $0/226$ به دست آمد که نشان می‌دهد هرچه ارتباط با شهر بیش‌تر بوده مشارکت سیاسی غیررسمی هم بیش‌تر شده است. در نتیجه نظریات مطرح در مکتب نوسازی در زمینه تأثیر ارتباط با شهر در افزایش مشارکت سیاسی غیررسمی تأیید می‌شود. اما تأثیر آن‌ها در زمینه مشارکت سیاسی رسمی محدود است.

۶- در خصوص احساس بی‌قدرت این نتیجه حاصل شد که با افزایش این عامل مشارکت سیاسی به طور رسمی و غیررسمی کاهش می‌یابد. این رابطه در آزمون کی‌دو و ضریب همبستگی کندال با سطح معنی‌داری کم‌تر از $0/05$ تأیید شد بنابراین نظر سیمن، لوین و دیگران مبنی بر تأثیر منفی احساس بی‌قدرتی به عنوان یکی از شاخص‌های احساس بیگانگی

بر مشارکت سیاسی به اثبات رسید.

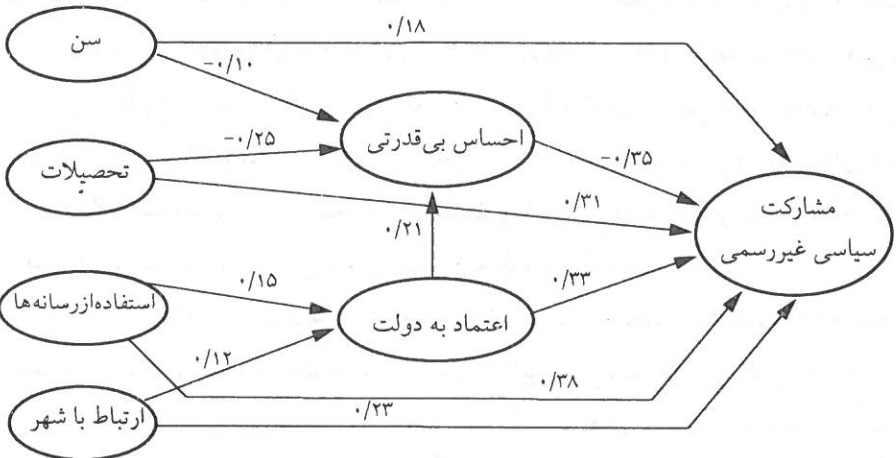
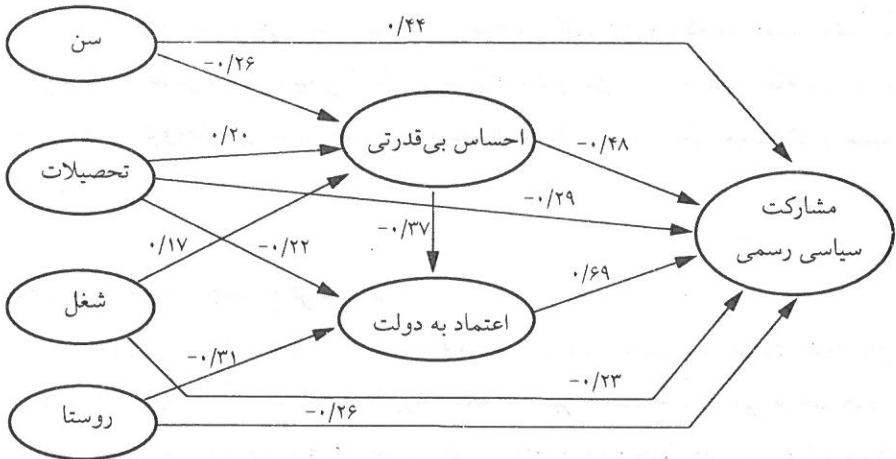
۷- فرضیه تحقیق در زمینه رابطه اعتماد به دولت و مشارکت سیاسی رسمی تأیید شد. سطح معنی داری در آزمون کی دو $0/00$ و مقدار کندال $0/417$ است که نشان می‌دهد با افزایش اعتماد به دولت، مشارکت سیاسی رسمی افزایش یافته است. اما در زمینه مشارکت سیاسی غیررسمی رابطه معنی داری به دست نیامد. این موضوع نشان می‌دهد که مشارکت رسمی به دلیل اینکه از طریق مراجع رسمی انجام می‌شود تا حد زیادی متأثر از نقش نظام سیاسی در جلب اعتماد گروه‌های روستایی است که زمینه‌های سیاسی و فرهنگی مشارکت را سبب می‌شود.

تجزیه و تحلیل مجموع فرضیات

به منظور سنجش تأثیر مجموع متغیرها به متغیر مشارکت سیاسی و در نهایت اثبات یا رد مدل نظری تحقیق از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شد. در این مرحله هدف، سنجش تأثیر مجموع متغیرها در ارتباط با یکدیگر و تجزیه و تحلیل در ارتباط با مجموع فرضیات بود و دانستن این مطلب که متغیرهای مورد سنجش مجموعاً تا چه اندازه‌ای تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند و در نهایت با بیان رابطه بین آن‌ها مدل نظری تحقیق مورد ارزیابی قرار گیرد. از آنجا که رگرسیون در مورد داده‌های فاصله‌ای یا نسبی کاربرد دارد و برخی متغیرهای مورد سنجش مانند نوع روستا و شغل در سطح اسمی است در این موارد کدهای ۰ و ۱ در SPSS استفاده گردید. در اینجا نیز رگرسیون چند متغیره در مورد هر یک از دو متغیر وابسته (مشارکت سیاسی رسمی و غیر رسمی) به طور جداگانه محاسبه شد.

نتایج این اندازه‌گیری نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل تحقیق در مجموع ۵۴ درصد تغییرات متغیر وابسته (مشارکت سیاسی رسمی) را تبیین می‌کنند در حالی که این میزان در مورد مشارکت سیاسی غیر رسمی ۳۹ درصد است. در مدل‌های تحلیلی زیر که براساس

ضرایب بتا ترسیم شده است میزان نقش و تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته نشان داده شده است. در اینجا مواردی که سطح معنی داری آن‌ها بالاتر از ۰/۰۵ بود کنار گذاشته شد و در نهایت برای ارزیابی صحت و چگونگی مدل نظری تحقیق از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شد:



مقایسه مدل‌های به دست آمده نشان می‌دهد که مدل مشارکت سیاسی غیر رسمی بیش تر گویای مطالب ارایه شده در نظریه نوسازی است. زیرا در این نوع مشارکت تحصیلات، استفاده از رسانه‌ها و ارتباط با شهر رابطه مثبتی با مشارکت داشته و در اثر افزایش سطح آن‌ها مشارکت سیاسی به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق متغیرهای واسط افزایش یافته است. در حالی که در مدل مشارکت رسمی دو متغیر اخیر نقش نداشته و متغیر تحصیلات نیز رابطه منفی داشته است.

همچنین متغیر شغل و نوع روستا تأثیر منفی بر مشارکت سیاسی رسمی داشته است. به این صورت که مشاغل غیرکشاورزی نسبت به مشاغل کشاورزی، روستاهای پرجمعیت تر و نزدیکتر به شهر نسبت به دیگر روستاها مشارکت سیاسی کم‌تری داشته‌اند.

اعتماد به دولت و احساس بی‌قدرتی در مورد مشارکت سیاسی رسمی نقش بیش‌تری نسبت به مشارکت سیاسی غیررسمی داشته‌اند. در این میان اعتماد به دولت با ضریب $0/69$ بیش‌ترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی رسمی داشته است در حالی که در مورد مشارکت سیاسی غیررسمی این مقدار $0/33$ است. این امر بیانگر آن است که مشارکت سیاسی رسمی که در قالب انتخابات و شرکت در تجمعات رسمی صورت می‌گیرد تا حد زیادی متأثر از عوامل محیطی و ایدئولوژیکی است تا اینکه صرفاً قابلیت‌های فردی در آن نقش داشته باشد.

نتیجه‌گیری

مطالعه مشارکت سیاسی در روستاها از اهمیت درخور توجهی برخوردار است. زیرا جامعه روستایی در کشورهای در حال توسعه در نظریه‌های مکتب نوسازی به عنوان نمونه‌ای از جامعه سنتی مطرح است که باید تحول پیدا کند. مشارکت سیاسی به عنوان یکی از معیارهای توسعه‌یافتگی علاوه بر این که متأثر از دیگر ابعاد اقتصادی و اجتماعی توسعه است، به دلیل ماهیت و ارتباطی که با ساخت سیاسی جامعه پیدا می‌کند، تحت تأثیر عوامل محیطی و طرز

تلقى از نظام سیاسی هم قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین جنبه رسمی و غیررسمی مشارکت سیاسی در جلب مشارکت روستاییان تفاوت وجود دارد و لذا باید در مطالعه این بعد از مشارکت به سطوح و انواع مشارکت توجه نمود.

از میان عواملی که بر اساس نظریه‌های مطرح در مکتب‌نوسازی به عنوان عوامل اجتماعی مطرح شده‌اند هفت عامل نوع روستا، سن، وضعیت اقتصادی، شغل، سطح تحصیلات، ارتباط با شهر، و استفاده از رسانه‌های گروهی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین دو عامل احساس بی‌قدرتی و اعتماد به دولت به عنوان متغیرهای واسطه بررسی شده‌اند. در مجموع می‌توان گفت که بین انواع مشارکت سیاسی (رسمی و غیررسمی) در خصوص متغیرهای مورد مطالعه تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. برای مثال با افزایش سطح تحصیلات، ارتباط با شهر، و استفاده از رسانه‌های گروهی، مشارکت سیاسی غیررسمی پیوسته افزایش یافته است، در حالی تأثیر این عوامل بر مشارکت سیاسی رسمی محدود و تنها در سطح ارتباط متوسط با شهر و تحصیلات ابتدایی افزایش داشته و پس از آن رو به کاهش بوده است. از طرف دیگر برخلاف مشارکت سیاسی رسمی، سطح اعتماد به دولت با مشارکت سیاسی رسمی دارای همبستگی است لذا می‌توان نتیجه گرفت که این نوع مشارکت تا حدود زیادی متأثر از طرز تلقی از نظام سیاسی است و عوامل سیاسی و ایدیواویکی در آن نقش زیادی دارند.

سرانجام اینکه با استفاده از رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر مدل و چارچوب نظری تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت نتیجه این که در اثر ارتقای شاخص‌های اجتماعی مورد بحث که بیش‌ترین میزان آن در زمینه ارتباط با شهر است مشارکت سیاسی غیررسمی افزایش یافته است اما در زمینه مشارکت سیاسی رسمی به جز در زمینه متغیرهای اعتماد به دولت و میزان سن سبب کاهش مشارکت شده‌اند. بنابراین در مجموع چارچوب نظری تحقیق در مورد مشارکت سیاسی غیررسمی تأیید شد، اما در مورد مشارکت سیاسی رسمی اثبات نرسید.

منابع

- ازکیا، مصطفی. *جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: کلمه، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرکاشان»، *نامه علوم اجتماعی*. ش ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
- اینگلهارت، رونالد. *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر، ۱۳۷۳.
- ایوبی، حجت‌الله. «مشارکت انتخاباتی»، در *مجموعه مقالات مشارکت سیاسی*. به کوشش علیخانی، تهران: سفیر، ۱۳۷۷.
- بدیع، برتران. *توسعه سیاسی*. ترجمه احمد نقیب‌زاده. تهران: قومس، ۱۳۷۶.
- بشیریه، حسین. *جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: نی، چاپ هفتم، ۱۳۸۰.
- پالمر، مونتی و دیگران. *نگرش جدید به علم سیاست*. ترجمه منوچهر شجاعی تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱.
- چابکی، ام‌البنین. «نقش عوامل روان‌شناختی در مشارکت سیاسی زنان»، *فصلنامه علوم اجتماعی*. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۱۹، پاییز ۱۳۸۱.
- خاکساری، علی. «فرآیند مشارکت و سطوح آن»، در *مجموعه مقالات کارگاه آموزشی توسعه مشارکت زنان*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰.
- دال، رابرت آلن. *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*. ترجمه حسین مظفریان. تهران: ناشر مترجم، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- راش، مایکل. *جامعه و سیاست*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت، ۱۳۸۱.
- سریع‌القلم، محمود. «مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*. ش ۱۳۵-۱۴۰، ۱۳۷۷.
- سو، آلوین. *ی. تغییر اجتماعی و توسعه*. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران:

- پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
- علوی تبار، علیرضا. بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها. تهران: دفتر برنامه‌ریزی وزارت کشور، ۱۳۷۹.
- کلمن، جیمز. بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی، ۱۳۷۷.
- محسنی تبریزی، علی‌رضا. بررسی زمینه‌های مشارکت روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۶۹.
- محسنی تبریزی، علی‌رضا. «بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی»، نامه پژوهش. س ۱، ش ۱، ۱۳۷۵.
- مرکز آمار ایران. شناسنامه آبادی‌های کشور. سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵.
- واس، ای. د. پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نی، ۱۳۷۶.
- واینر، مایرون، هانتینگتن، ساموئل. درک توسعه سیاسی. ترجمه و منتشر شده از سوی پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.
- هانتینگتن، ساموئل. سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علم، ۱۳۷۰.
- Lipset, S. M. *Political Man*. Landon: Mercury Books, 1963.